



بررسی فقر در منطقه سیستان

وراههای از بین بردن آن

منصور جهان تیغ

نابسامانی که در آن زندگی می‌کنند. این اقدام می‌تواند، زمینه مساعدی جهت تحقق اهداف انقلاب اسلامی در مورد محرومیت زدایی فراهم آورد.

در این مقاله، وضعیت درآمد در منطقه سیستان و همچنین عوامل مؤثر در میزان درآمد، مورد بررسی قرار گرفته است. بر اساس اطلاعات جمع‌آوری شده، درآمد بهره‌برداران روستایی سیستان فاصله زیادی با مخارج زندگی آنان و میزان خط فقر در مناطق روستایی کشور دارد. از دلایل عمده کمبود درآمد در منطقه، پایین بودن بازده محصولات کشاورزی و عدم مکانهای اشتغال‌زا در روستاهای سیستان است.

■ مقدمه (۱)

امروز ابروی اسلام در گرو آن است که ایران اسلامی به کشوری آباد تبدیل شود، کار و ابتکار در آن همگانی گردد، زندگی مردم سرو سامان یابد، فقر و محرومیت ریشه کن شود، تولید داخلی با نیازهای مردم متعادل گردد، کشور در صنعت و کشاورزی به خودکفایی برسد و دشمن از طریق احتیاجات زندگی مردم، راهی برای اعمال فشار نداشته باشد. خلاصه، در کنار معنویت، زندگی مادی مردم را نیز سامان بخشید.

وظیفه اصلی و آشنایی ما ایجاد می‌نماید که برای حفظ و حراست از انقلاب اسلامی و دستاوردهای آن بیش از همه با مردم هماهنگ و

■ پیش گفتار (۱)

انقلاب یعنی تحول، تغییر و دگرگونی، نظم موجود را برهم زدن و طرحی نو در انداختن و انقلاب اسلامی ما نیز، از این قاعده مستثنی نیست. محرومیت زدایی و ریشه کن کردن فقر و بیچارگی از اهداف عمده انقلاب و نظام جمهوری اسلامی شده، و جهت گیری انقلاب اسلامی به نفع مستضعفین و پابرنه‌ها و برای خدمت به آنان تعیین گردیده است. تمام تلاشها در این راستا قرار گرفت، تا مستمندان و محرومان را از مشکلاتی که دارند و از محرومیت زدایی که در طول تاریخ کشیده‌اند، برهاند.

اینک که در آستانه سازندگی و اجرای طرحهای توسعه اقتصادی - اجتماعی هستیم، خوب است، وضع عمومی مردم، خاصه مستضعفان که انقلاب اسلامی به دست آنان، برای آنان و جهت تحقق حاکمیت آنان پا گرفته است، مورد بازنگری جماعی قرار گیرد. به محرومیتها، کاستیها، کارهای انجام نشده، انسانهای فراموش شده و مناطق از یاد رفته، نگاهی بیفکنیم، به داد محرومان برسیم و آنان را از مصیبتی که به واسطه فقر فرهنگی، عدم برنامه‌ریزی اصولی و توزیع امکانات، ... در آن گرفتار آمده‌اند، برهانیم. چرا که، بدون تردید، فقر، بیچارگی، گرسنگی و بی‌سوادی نخستین گام، باز یافتن، معرفی کردن و شناختن مناطق محروم است، آگاهی از عمق درد و رنجی که می‌کشند و وفوف بر شرایط سخت و

همگام باشیم. با توجه به اینکه تهیدستان به خصوص روستاییان و عشایر، روز به روز فقیرتر می‌شوند و همواره بر تعداد آنها افزوده می‌شود و بیشتر این افراد، در مناطق روستایی و حاشیه‌نشینی به سر می‌برند و اغلب آنها کشاورزان خرده‌پا، کارگران بی‌زمین، زارعین سهم‌بر و دیگر قشرهای محروم جامعه هستند. روستاییان و عشایر و سایر محرومین، نمونه و الگوی ساده زیستی، صداقت، صفا، زهد، تقوی، شهامت، شجاعت، اخلاق، کرامت و همه ارزشهای والای انسانی یک جامعه سالمند. اگر، اقدام مؤثری در این زمینه صورت نگیرد، نه تنها فاصله میان قشر ثروتمند و فقیر بیشتر و زمینه برای ایجاد مشکلات اساسی فراهم می‌شود، بلکه این تفاوت جامعه را نیز تحت تأثیر قرار خواهد داد.

■ فقر (۲)

فقر، افرادی هستند که قادر به مشارکت در فعالیت‌های جامعه نیستند و فاقد شرایط زندگی و تسهیلات یک زندگی معمولی می‌باشند. فقر، طفلی که به علت بدی تغذیه از نظر جسمانی به حال نزاری در آمده و از لحاظ مغزی نیز، دچار کاستیها شده است یا مردی که قادر به خرید مقدری خون به منظور نجات زنش نیست، با فقر کسی که قادر نیست، یک شب تولد بچه‌هايش را تأمین کند یا همسرش را به سینما ببرد، تفاوت دارد. به اعتقاد ژوزونه دوکاسترو، $\frac{1}{3}$ جمعیت جهان،

در حال گرسنگی دایمی به سر می‌برند. علاوه بر این، گرسنگی پنهانی نیز، وجود دارد. در این گرسنگی، افراد در عین حال که نان بخور و نمیری دارند، از بسیاری عناصر ضروری محرومند. این نوع گرسنگی، موجب ناتوانی و انحطاط روحی می‌شود و گاهی آثارش از طریق توارث منتقل می‌شود.

با وجودی که فقر و بیکاری هر دو به طریقی با درآمد ارتباط دارد، اما چنانکه تجربه بسیاری از کشورها نشان می‌دهد، افزایش سریع درآمد سرانه نیز فی‌نفسه نمی‌تواند در تقلیل فقر و بیکاری مؤثر واقع شود. حتی روندهای معینی از رشد، به سهولت می‌توانند در بعضی موارد سبب افزایش بیکاری شوند. ارتباط مستقیم میان درآمد سرانه و تعداد افرادی که در فقر به سر می‌برند، در توزیع درآمد نهفته است. واضح است که اگر رشد اقتصادی با عدم تمرکز درآمد همراه باشد، فقر را سریع‌تر می‌توان از میان برداشت.

یک ویژگی مهم فقر روستایی، فشارهای فصلی آن است. در فصول زمستان و بارندگی، پس از آنکه غلات کاشته شد، فقرا برای یافتن کار، مشکل فزاینده‌ای دارند و عرصه غذایی خود را کاهش می‌دهند. کم غذایی، فقرا را در برابر بیماری آسیب پذیر می‌نماید. این خود موجب می‌شود که پیدا کردن کارهای محدودی که وجود دارد، دشوارتر شود. گاهی ممکن است، ادامه حیات به وام گرفتن موکول شود که نتیجه‌ای جز سنگین شدن بار بدهکاری ندارد.

■ فقر در جهان

در کشورهایی که اکثریت افراد هنوز در روستا زندگی می‌کنند، اقشار جامعه از یکدیگر فاصله زیادی دارند. درجه بیکاری پنهان به نهایت خود رسیده و میزان مهاجرت بیش از حد است و صنعتی شدن در سطح پایینی قرار دارد، هر نوع برنامه توسعه، نظیر اصلاح و بهبود وضع کشاورزی، اصلاح بذر، سرمایه‌گذاری در بخش صنعت ارتباطات، توسعه بهداشت و غیره، نابرابریها را در میان گروههای اجتماعی افزایش خواهد داد.

(۴) بنا به گفته گالسکی، تکنولوژی پیشرفته توسط گروههایی که از لحاظ اقتصادی در وضع بهتری به سر می‌برند، زود جذب می‌شود (به عنوان مثال زارعان ثروتمند) و در نتیجه، فاصله اجتماعی میان گروهها افزایش می‌یابد، حتی اگر

در نتیجه یک برنامه توسعه روستایی گروههای خرده‌پا، درآمد بیشتری از گذشته داشته باشند، باز درآمد گروههای ثروتمند، معمولاً افزایش سریع‌تری خواهد یافت و وضعیت نسبی گروههای کم درآمد، حتی از زمان گذشته، بدتر خواهد شد.

کشورهای جهان سوم گرسنه‌اند، زیرا گم‌کرده‌ای دارند که آن را هنوز باز نیافته‌اند. امروز نصف جمعیت جهان در مناطق روستایی جهان سوم ساکن هستند، اما برای نخستین بار، این روستاییان نه تنها توانایی تغذیه همسایگان شهری خود را ندارند، بلکه غذای خودشان را نیز، با زحمت فراهم می‌کنند. آنان همچنان به مهاجرت به شهرها ادامه می‌دهند. جمعیت ۲۵ شهر بزرگ جهان سوم، جمعاً به ۲۵۰ میلیون نفر بالغ می‌شود. برای نخستین بار در سال ۱۹۸۱، در ۳۵ سال پیش از آن، متوسط رشد کشورهای در حال توسعه، ۴/۲ درصد و پایین‌تر از میزان افزایش جمعیت‌شان بوده است.

۴۰ درصد صادرات این کشورها، جذب بازپرداخت اصل و فرع وامها می‌گردد و در تعادل هزینه‌شان، محصولات غذایی سهم فزاینده‌ای دارد.

با توجه به این مسئله، روز به روز بر سیل مهاجرت روستاییان به سوی شهرها افزوده می‌شود، که فرایند آن، ایجاد مشکلات سرسام‌آوری برای مناطق شهری است. زیرا این مهاجرین، حاشیه‌نشینی را اختیار نموده‌اند و دارای شغل‌های کاذب می‌باشند. به طوری که در سال ۱۹۶۰، جمعیت روستایی، روستا شهری و شهر دنیا به ترتیب ۶۶/۳، ۱۹/۰۷ و ۱۴/۶۳ درصد بوده، که این ارقام، در سال ۱۹۹۰، به ۵۴/۸، ۱۴/۷۸ و ۳۰/۴۲ درصد تغییر یافته است. سکونت‌گاههای روستایی در تمام مناطق جهان، بسیار عقب مانده هستند. به عنوان مثال، در آسیای جنوبی، فقط ۱۷/۲ درصد جمعیت روستایی به آب آشامیدنی دسترسی دارند و این نسبت برای سکونت‌گاههای شهری ۶۶/۳ درصد است. در آمریکای لاتین و منطقه کارائیب، این دو نسبت، عبارتند از: ۳۴/۹ درصد برای مناطق روستایی و ۷۸ درصد برای مناطق شهری.

در حال حاضر، میزان دارایی ۳۸۵۷ خانواده از ثروتمندترین خانوادههای جهان، با کل ثروت و مایملک نیمی از جمعیت جهان، یعنی ۲/۵ میلیارد

نفر که فقیر هستند، برابری می‌کند. در آمریکا، یک درصد جمعیت، بیش از ۴۰ درصد درآمد ملی خود را به خود اختصاص داده‌اند. فاصله فقر و غنا در این کشور، بیش از هر نقطه جهان مشهود است.

■ علل کم توسعه یافتگی روستاها و پی‌آمدهای آن

فقر و عقب ماندگی روستاها با چند عامل در ارتباط است، که عبارتند از:

- ۱- تاریخ
- ۲- مسائل مربوط به بهره‌وری و اشتغال
- ۳- وابستگی شدید به زمین کشاورزی و دسترسی محدود به نهاده‌ها و مواد اولیه تولید
- ۴- اعمال سیاستهایی علیه فقرا و مستمندان و ساختارهای ضعیف اجتماعی که فقرا را عملاً فاقد صلاحیت قانونی نموده و حقوقشان را سلب می‌نماید.

الف- جریانهای تاریخی

بخش بزرگی از آنچه که تحت عنوان فقر، کم توسعه یافتگی، عقب‌ماندگی و از این قبیل را شاهد هستیم، تا حدی نتیجه جریانهای تاریخی است. مجموعه اقتصاد جهان در دو سه قرن اخیر، به شکلی سازمان یافت، که به ایجاد فقر انجامید و آن توسعه‌ای است که در غرب آغاز شد و به تدریج تمام جهان را در بر گرفت. چیرانی که ثروت و دانش فنی را در حدود کشورهایی در دو طرف اقیانوس اطلس متمرکز نمود. حداقل در مورد آسیا می‌توان گفت که قبل از ورود حکومتهای استعماری، تفاوت میان اقتصاد بخشهای روستایی و شهری چندان فاحش نبود.

سوالی که مطرح می‌شود آن است که چرا در کشورهای عقب‌مانده، هیچ‌گونه پیشرفتی در مسیر توسعه سرمایه‌داری که مشابه تاریخ سرمایه‌داری در دیگر کشورها باشد، صورت نگرفته است. در اروپای غربی، انباشت سرمایه تجاری، قابل ملاحظه بود و نکته مهمتر این که، شدیداً متمرکز بود. این امر، تا حدودی ناشی از موفقیت کشورهای اروپای غربی بود که امکان توسعه دریاوردی را فراهم می‌آورد. علاوه بر آن، اروپا به لحاظ منابع طبیعی فقیرتر و به لحاظ توسعه اقتصادی، از برخی جهات عقب‌مانده‌تر از سایر مناطق پیشرفته جهان بود. این مناطق، محل فعالیتهای تجاری اروپای غربی شدند.

بنابراین، تلاش زیادی برای وارد کردن محصولات با ارزش کشورهای اروپای شرقی (پوشاک با کیفیت بالا، زیورآلات، ظروف سفال و غیره) و نیز وارد نمودن سنگها و فلزات گرانبها که در بخشهای داخلی به مقدار اندکی عرضه می‌شدند، به کار بسته شد. حاصل تجارت با مناطق دوردست که با غارت و چپاول آشکار و حمل انبوه بردگان و کشف طلا همراه بود، به شکل‌گیری سریع ثروت هنگفتی در دستهای تجار و بازرگانان اروپای غربی انجامید. اگر چه، مشاهده می‌شود که سایر کشورهای جهان، از اروپا بسیار عقب افتاده‌ترند، به هیچ وجه پدیده تصادفی یا ناشی از ویژگیهای نژادی کشورهای مختلف نیست. بلکه، ماهیت روند توسعه در اروپای غربی بود که چنین روندی را ایجاد می‌کرد. زیرا، آثار نفوذ سرمایه‌داری اروپای غربی در جهان خارج بسیار پیچیده است. این آثار دقیقاً به ماهیت نفوذ اروپای غربی و همچنین، مرحله توسعه جوامعی که در معرض تماس با خارجیان قرار داشتند، بستگی داشت. بنابراین، نمی‌توان به سادگی اثر ورود اروپاییها را در آمریکای شمالی (استرالیا و نیوزیلند) از یک طرف و گشوده شدن درهای کشورهای آسیایی، آفریقایی یا اروپای شرقی به روی سرمایه‌داران اروپایی را از یکدیگر متمایز ساخت.

خودکفایی، مبنا و اساس و نظم ماقبل سرمایه‌داری در تمام کشورهای بود که زیر نفوذ غرب قرار می‌گرفتند و بدین ترتیب دامنه گردش کالا در این جوامع گسترش یافت. در بسیاری از کشورها، با مصادره گسترده زمینهایی که در اختیار دهقانان بود و استفاده از آنها جهت مقاصد زراعی و کشاورزی و سایر موارد استفاده توسط بنگاههای خارجی، و نیز رقابت نابرابر صنایع دستی روستایی با صادرات صنعتی، ائتلاف وسیعی از نیروی کار فقر زده به وجود آمد. نمونه برجسته چنین رابطه‌ای، هندوستان است. تا قرن هیجدهم، شرایط اقتصادی هندوستان پیشرفته بود و روشهای تولید و سازمان تجاری - صنعتی در این کشور با موارد مشابه در سایر نقاط جهان قابل مقایسه بود کشوری که بهترین نوع چیت و سایر محصولات لوکس را تولید و صادر کرده است، آن هم زمانی که اسلاف انگلیسی‌ها در شرایط بسیار ابتدایی زندگی می‌کردند در حال حاضر هندوستان، نتوانسته است، در انقلاب اقتصادی که

فرزندان همان بربرها به راه انداخته‌اند، شرکت جدید، البته این «نا توانی و شکست»، ناشی از عوامل تصادفی بی‌بلیاقتی نژاد هندی نبوده است؛ بلکه، زائیده غارت و یغمای حساب شده و بی‌رحمانه هندیها به دست انگلیسیها، از همان روزهای آغاز استیلای این کشور بر هندوستان بود.

■ ب - بهره‌وری و اشتغال

در حال حاضر دو گرایش بسیار مزاحم وجود دارد، که توسعه روستایی را در بیشتر نقاط دنیای در حال توسعه، مختل می‌سازد. نخست اینک که در کشورهای متعددی از آسیا و آفریقا، به دلایل گوناگون، بهره‌وری زمین ناچیز و ثابت و یا رو به زوال است. در تانزانیا، نیجریه و بخش وسیعی از بلندیهای نپال، بهره‌وری زمین رو به نابودی است. در مالزی، بهره‌وری زمین در سطح بسیار پایینی قرار دارد به جز چند ناحیه مشخص و بعضی از کشورهای آمریکای لاتین، تقریباً در همه جا، بهره‌وری زمین در سطح بسیار پایینی قرار دارد این بهره‌وری محدود و سطح پایین، معلول عوامل گوناگونی اعم از فنی و اجتماعی شناخته شده است.

دومین روند مزاحم این است که، در بیشتر کشورهای روستایی، جمعیت با سرعت زیادی رو به افزایش می‌باشد. یکی از عوامل این است که بخش بزرگی از جمعیت، بسیار جوانتر از سن مناسب برای کار مفید می‌باشد. وجه دوم؛ این است جمعیت زیادی باید از آن زمین کم محصول، اترزاق کنند.

■ ج - دسترسی محدود به زمین

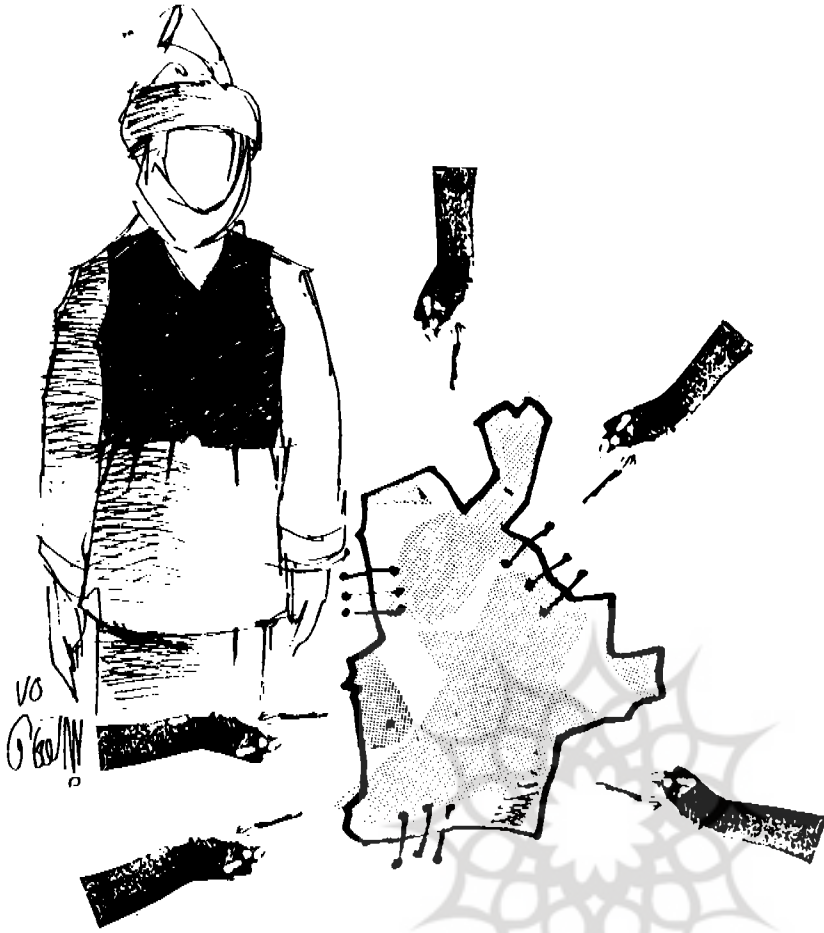
در بیشتر کشورهای جهان سوم، وابستگی بیش از اندازه‌ای به کشاورزی وجود دارد، به رغم تلاشهای گوناگون دولتها، بین ۷۵ تا ۹۰ درصد نیروی کار کشورهای کم درآمد و بین ۵۰ تا ۷۰ درصد نیروی کار کشورهای با درآمد متوسط، در بخش کشاورزی متمرکز هستند. در نتیجه، همه انهایی که در بخش کشاورزی می‌باشند، نمی‌توانند به زمین دسترسی داشته باشند. این نکته به ویژه در کشورهای آسیای جنوبی مصداق دارد در بریتانیا و سایر نقاط جهان، که در ابتدا جمعیت قابل ملاحظه‌ای از انگلیسیها به آنجا مهاجرت کردند (همچون ایالات متحده، کانادا و

غیره)، محرک اولیه برای خیز عمدتاً (ولی نه بطور کامل)، تکنولوژی بود. در حالت کلی‌تر، خیز اقتصادی، هم مستلزم افزایش «سرمایه بالا سری اجتماعی»، (social over head capital) و گسترش تکنولوژی در صنعت و کشاورزی بوده هم زمینه‌ساز ظهور قدرت سیاسی برای گروهی از افراد که نوسازی اقتصادی را امری جدی و برخوردار از اولویت سیاسی می‌دانستند.

فنون جدید تولید، در صنعت و کشاورزی، گسترش می‌یابند، کشاورزی خصلت تجاری به خود می‌گیرد، و تعداد فزاینده‌ای از زارعان روشهای جدید و تحولات ناشی از ظهور تکنیک و فنون را پذیرا می‌شود. تحولات بنیادین در بهره‌وری تولید کشاورزی شرط ضروری جهش موفقیت آمیز اقتصادی می‌باشد، زیرا نوسازی یک جامعه تقاضای محصولات کشاورزی را شدیداً افزایش می‌دهد.

■ برنامه توسعه در ایران

نقطه شروع توسعه روستایی در ایران، اصلاحات ارضی بود که بین سالهای ۱۳۴۱ تا ۱۳۵۱ به مرحله اجرا درآمد. ظاهراً اصلاحات ارضی شرط لازم برای سایر تغییرات دیگر، نظیر شرکتیهای سهامی زراعی، کشت و صنعت و تعاونیهای تولید و غیره که توسط رژیم سابق حمایت می‌گردید، به شمار می‌رفت. بسیاری از محققان اروپایی ادعاهایی کرده‌اند، نظیر آنکه اصلاحات ارضی در ایران یکی از اصلاحات مهم ارضی در خاور میانه بوده است. شواهد بسیاری از کشورهای جهان سوم نشان می‌دهد، هنگامی که یک طرح کشاورزی در جامعه‌ای که قشرهای اجتماعی آن از لحاظ اقتصادی فاصله زیادی با هم دارند، اجرا شده است، منابع حاصل از این قبیل طرحها، توسط گروههای مرفه جامعه جذب شده است. در مورد ایران، بورکراسی تنها کانال ارتباط میان رهبران سیاسی و دهقانان بوده است. فعالیت‌های مربوط به بخش کشاورزی برای بسیاری از کشورهای در حال توسعه، همچنان ستون فقرات شناخته می‌شود و نوعاً بزرگترین منبع اشتغال را تشکیل می‌دهد. اغلب دو سوم یا بیشتر جمعیت در این کشورها، برای گذران زندگی به کشاورزی وابسته‌اند. با این همه، در بیشتر کشورهای در حال توسعه، بین ۲۰ تا ۶۰ درصد



تولید از بخش کشاورزی تأسیس می‌شود. در ایران، در سال (۱۱) ۱۳۷۰ حدود ۲۷ درصد تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت سال ۱۳۶۱، مربوط به بخش کشاورزی بوده است. همچنین ۲۸ تا ۳۰ درصد شاغلان کشور، در بخش کشاورزی مشغول کار بوده‌اند. در ایران، سال ۱۳۶۷، بیش از ۶۶ درصد بهره‌بردارها زیر ۵ هکتار وسعت داشته‌اند. بنابراین، به علت نبودن فرصت‌های شغلی، برای کسب درآمد، مهاجرت از مناطق غیر شهری به مناطق شهری، رشد شهرنشینی، فوق‌العاده‌ای زیاد بوده است.

در سال ۱۳۵۵، حدود ۴۷ درصد، در سال ۱۳۶۵ حدود ۵۴ درصد و در سال ۱۳۷۰ بیش از ۵۷ درصد جمعیت در نقاط شهری ساکن شده‌اند. تولیدکنندگان بخش کشاورزی ایران، همواره از نظر اقتصادی و تجاری تحت قیمومیت بوده و هیچ‌گاه مجال خارج شدن از این قیمومیت را نداشته‌اند.

در دوران‌های ارباب - رعیتی و سلطه زمین‌داران بزرگ، تولیدکنندگان مواد کشاورزی دو دسته بودند در دوره بعد از اصلاحات ارضی تولیدکنندگان در بخش کشاورزی، اعم از بزرگ و کوچک، تحت تأثیر سیاست‌های دولتهای وقت قرار داشتند. علاوه بر آن، اصلاحات ارضی به نفع گروه‌های دهقانی مرفه و بزرگ مالکان - که اراضی مرغوب خود را از تقسیم معاف کردند و به ضرر قشرهای فقیر روستایی، به پایان رسید. (۱۱)

■ نگاهی گذرا به سیستان

دشت سیستان با ۸۱۱۷ کیلومتر مربع (۴/۴۷ درصد از مساحت کل استان)، با یک شهرستان، یک شهر و پنج بخش در جنوب شرقی ایران واقع شده است. (۱۲)

«سیستان» یا هم‌تشیینی «بلوچستان» که هر کدام نمایه دو فرهنگ و منطقه جغرافیایی مجزاست، استان سیستان و بلوچستان را به وجود آورده است. سابقه تاریخی این منطقه، صبغه اساطیری پررنگی را داراست و یکی از هفت اقلیم عصر کهن به شمار می‌آید. از لحاظ جغرافیایی، تاریخی، پهنة خاک سیستان (یا به روایت کهن دیگر ... نیمروز) ورای به جا مانده از مرزبندیهای سیاسی، آلوده به ترفندهای استعمارگرانه انگلیس بوده است. در ارتباط با فضایل این سرزمین

جدال دایمی و بی‌سابقه رود و انسان بوده است. گرچه، گاهی رود پیروز شده، ولی در اکثر اوقات، میزان موفقیت و کفۀ ترازو به صورت نسبتاً زیاد، به نفع مردم سیستان بوده است. هردوت مورخ یونانی، در ۲۵۰۰ سال پیش، از این منطقه به عنوان انبار غله ایران نام می‌برد. (۱۵)

الف - مشخصات اقلیمی و طبیعی منطقه سیستان

جلگه سیستان، به وسعت ۸۱۱۷۰۰ هکتار در شمال استان سیستان و بلوچستان واقع شده است و از سمت شمال و شرق به افغانستان، از جنوب و جنوب‌شرق به زاهدان و کشور پاکستان، از غرب و شمال غربی به کویر لوت و شهرستان نهبندان محدود می‌باشد. (۱۶)

متوسط ارتفاع دشت سیستان ۴۸۰ متر با شیب ۱/۴۰۰۰ است. خاک در این دشت از نوع رسوبی و مربوط به پایان دوره دوم و سوم، که توسط دوره چهارم پوشیده شده است، می‌باشد. PH خاک بین ۸ و ۹ در نوسان است. متوسط بارندگی

مطالب زیادی نوشته شده است که از آن جمله : خوردن حضرت آدم از آب گوارای منطقه سیستان (۱۴)، نمازگزاردن حضرت نوح در منطقه سیستان و دعا نمودن حضرت سلیمان در حق ساکنین سیستان و ... که در منابع تاریخی آمده است.

امروز، اقوام موجود در سیستان، بالغ بر سیصد تیره‌اند، که این اجزا در ساختار عشیرتی و ایلی، به چهل تیره مهم محدود شده است. شیوه نظام ایلی و عشیرتی، عمده‌ترین عامل تداوم نسلها و پایداری انسان در برابر طبیعت منطقه بوده است. «دیار سیستان دیدار باد و ریگ است و همان شهرت که گوید، باد آنجا آسیابها بگرداند و آب از چاه کشند و باغها سیراب کنند».

حیات سیستان در گرو جریان مستمر رودخانه هیرمند و سیرابی دریاچه هامون و استواری ساکنان آن در حفظ موارث زرفشان بوده است. هیرمند، رودخانه کار و زندگی سیستان است و از اهمیتی مانند دجله و فرات در عراق و نیل در مصر برخوردار است. در تاریخ سیستان، صحنه

آن ۵۶ میلیمتر و بیشترین آن در زمستان ریزش می‌نماید. میانگین درجه حرارت سردترین ماه سال (دی) ۹/۱۵ و گرمترین ماه سال (تیر) ۳۵ درجه سانتیگراد است. ماههای خشک و مرطوب منطقه به ترتیب ۹ و ۳ ماه و تبخیر در سیستان معادل ۵۰۰۰ میلیمتر است، این مقدار تبخیر به علت وزش بادهای شدید تابستانی می‌باشد. بیشترین تبخیر در ماههای یجرانی (خرداد، تیر، مرداد) صورت می‌پذیرد. عمده‌ترین باد و باد غالب منطقه، باد ۱۲۰ روزه سیستان است. که قسمتی از مشرق و جنوب شرقی ایران را در بر می‌گیرد. این باد، یکی از سهمناکترین بادهای ایران است که سرعت آن را بین ۱۱۰ تا ۱۷۰ کیلومتر در ساعت با درجه حرارتی معادل ۵۷ درجه سانتیگراد تخمین زده. تعداد روزهایی که هوای سیستان با باد و گرد، خاک و غبار همراه است به ۱۹۰ روز در سال می‌رسد.

■ آموزش و پرورش در منطقه سیستان

منطقه سیستان از لحاظ آموزش و تربیت نیروی انسانی کارآمد، دارای پتانسیل نهفته‌ای است. به طوری که درصد بالایی از پذیرفته‌شدگان کنکور سراسری، در استان، متعلق به این منطقه هستند.

■ کشاورزی منطقه سیستان

دشت سیستان قطب مهم کشاورزی، دامپروری و پرورش آبزیان استان است. این دشت، حاصل آبرفت‌های رودخانه هیرمند در طول سالهای متمادی می‌باشد، که جلگه‌ای حاصلخیز و هموار را در حاشیه رودخانه هیرمند و دریاچه هامون، جهت فعالیتهای کشاورزی و دامپروری پدید آورده است. از کل سطح زیر کشت محصولات سالیانه استان که حدود ۲۹۴۶۷۸ (۱۸۱) هکتار است، مقدار ۱۴۰۴۲۱ هکتار آن به سیستان تعلق دارد. یعنی، حدود ۴۸ درصد از مساحت کشت محصولات سالیانه در سیستان قرار دارد، در صورتی که مساحت سیستان فقط ۴/۷۴ درصد از مساحت کل استان می‌باشد. وجود یک میلیون واحد دامی و همچنین نژادهای اصیل گاو سیستانی و گوسفند بلوچی باعث شده که سیستان مهمترین قطب

تولیدات دامی استان به شمار آید. لازم به یادآوری است، که دریاچه هامون، فعالیتهای ویژه‌ای را در زمینه شیلات پرورش آبزیان در منطقه فراهم آورده است.

در جدول شماره ۲ سطح زیر کشت محصولات عمده سیستان نشان داده شده است.

■ منابع آب سیستان

حوضه آبریز سیستان، حوضه‌ای است و مسطح به وسعت حدود ۱۸۲۰۰ کیلومتر مربع، که تنها حدود ۴۰ درصد این حوضه در خاک ایران و باقی آن در خاک افغانستان است. (۱۹)

در حقیقت، حوضه سیستان، همان مصب هیرمند می‌باشد و در نواحی پست خود شامل تعدادی دریاچه با آب شیرین است که بزرگترین آنها هامون معروف به هامون سیستان یا هامون هیرمند است.

وسعت کلی دریاچه هامون صابری و پوزک، حدود ۴ هزار کیلومتر مربع و عمق متوسط ۵ متر (در فصول پر آبی) از پهناورترین سطوح آب شیرین در سراسر فلات ایران است. در زمان طغیان هیرمند، این سه دریاچه به هم می‌پیوندند و آب اضافی به

وسیله ابراهه شيله، از قوس جنوبی به باتلاق کودزهره در خاک افغانستان می‌ریزد.

متوسط دبی سالیانه رودخانه سیستان در بند کهک ۲۵۴۶ میلیون متر مکعب است.

■ آب زیرزمینی ناحیه

جلگه سیستان، جلگه‌ای هموار است که در نتیجه رسوبگذاری رودخانه هیرمند، در طی میلیونها سال، صدها متر ابرقت روی هم انباشته شده است. ریزبودن آبرفتها (رس و سیلت) اجازه تشکیل آبهای زیرزمینی در این ناحیه را نداده است. ضخامت زیاد این رسوبات غیر قابل نفوذ، هرگز اجازه نفوذ به داخل آنها را نداده و در نتیجه، آب هیرمند صرف تبخیر و جریان سطحی شده است.

تنها قسمت غرب دشت با توجه به حمل رسوبات درشت دانه از کوههای اطراف، اجازه نفوذ و تشکیل مختصری آب زیرزمینی را داده است. با تحقیقات بعمل آمده توسط وزارت نیرو، حداقل

حجم آب زیرزمینی موجود در سفره (غرب دشت) در گستره‌ای برابر هزار کیلومتر مربع و ضخامت

جدول شماره ۱ - تعداد دانش‌آموزان منطقه سیستان و همچنین درصد آنان در استان

مقطع	نوامز	ابتدایی	راهنمایی	متوسطه	هنرستان	جمع
تعداد	۲۶۵	۵۲۵۲۱	۲۱۳۴۳	۱۱۳۳۰	۵۸۴	۸۶۰۴۳
درصد نسبت به کل استان	۱۵/۸۲	۱۹/۸	۲۶/۳	۳۱/۹۵	۱۸/۷	—

منبع: آمارنامه استان سیستان و بلوچستان ۱۳۷۳

جدول شماره ۲ - سطح زیر کشت محصولات عمده منطقه سیستان در سال زراعی ۷۱ - ۷۰

ردیف	نوع محصول	سطح زیر کشت به هکتار
۱	گندم	۷۰۵۰۰
۲	جو	۱۵۰۰۰
۳	حبوبات	۶۵۰
۴	پیاز، گوجه‌فرنگی و سبزیجات	۴۵۰
۵	هندوانه، خربزه و خیار	۱۸۰۴۰
۶	سیدر یونجه	۱۱۰۹۵
۷	ذرت خوشه‌ای و علوفه‌ای و قصبه	۶۴۴۰
۸	انگور	۲۰۰۰
۹	توت	۲۰
۱۰	خرما	۶

اشباع ۳۰۰ متر و ضریب تغذیه ۲۵ درصد برآورد شده است. (۲۰)

■ شرایط نامساعد طبیعی و اثرات بیوشیمیایی آن بر روی انسان

شرایط نامساعد طبیعی در دشت سیستان، از عوامل عمده عقب ماندگیهای اقتصادی، اجتماعی این ناحیه است. از اصلی ترین شرایط طبیعی که مستقیماً بر حیات انسان تأثیر دارد و موجبات ناراحتیهای جسمی و روحی برای انسان را فراهم می آورد گرما و باد است.

در بعضی نقاط سیستان، روستاهایی وجود دارند که طی یک دوره ۱۵ ساله، زیر تپه های ماسه ای پنهان می شود.

بر طبق تحقیقات انجام شده، از علل مهم کوری در ناحیه، کراتیت شنی است. نایبایی بر اثر طوفانهای شنی (۲۱) ۲۸ درصد کل نایباییهای موجود در ناحیه سیستان را در بر می گیرد.

علاوه بر نایبایی، بیماریهای تنفسی دیگر، نظیر: آسم و دیگر بیماریهای تنفسی و همچنین بیماریهای عفونی ناشی از برخورد ماسه به پوست بدن، از عوارض دیگر مستقیم بادها هستند.

در سیستان، خشکی زیاد، ترک خوردگی پوست را به همراه دارد. خشکی بیش از حد هوا در ناحیه، کمبود منابع آبهای زیرزمینی و رو زمینی، موجب محدودیت بسیار در امور کشاورزی و دامپروری شده و در نتیجه اقتصاد ناحیه فلج، درآمد

خانوادهها کم و دست یابی به مواد غذایی متنوع و ضروری را غیر ممکن می سازد و انسان ساکن در ناحیه به علت فقر غذایی، آمادگی پذیرش بسیاری از بیماریهای می شود.

■ صنایع روستایی در منطقه سیستان

توسعه صنایع روستایی، یکی از راه حلهای ایجاد اشتغال، به ویژه برای جوانان روستایی به شمار می رود که در سالهای اخیر، مورد توجه زیاد قرار گرفته است. این صنایع، غالباً به علت وجود مواد اولیه کانی یا کشاورزی، جهت عمل آوری و تبدیل آنها به محصولات صنعتی در یک منطقه روستایی احداث می شود.

سیستان، یکی از مناطقی است که دارای استعداد نهفته ای در زمینه صنایع روستایی به خصوص فرش (قالی بافی، گلیم بافی) می باشد. این حرفه، در منطقه سیستان عموماً و به خصوص در مناطق عشایری، به صورت سنتی رایج است و به طور نادر کار بافت به طریقه نیمه صنعتی نیز، صورت می پذیرد.

■ بررسی درآمد ساکنین روستایی سیستان

الف - ضرورت بررسی
بنابر آمار سازمان جهانی خواربار و کشاورزی وابسته به سازمان ملل (FAO)، ۷۰ درصد از ۱۲

جدول شماره ۳ - درآمد و هزینه محصولات عمده کشاورزی در استان (هزار ریال)

نام محصول	درآمد ناخالص	هزینه	درآمد ناخالص
گندم	۱۰۰۸	۶۷۲	۳۳۶
جو	۲۳۴/۲۴	۱۴۲/۷۴	۹۱/۱
هندوانه و خربزه	۶۳۳/۶	۳۵۹	۲۷۴/۶
نیاتات علوفه ای	۸۲۰	۳۲۸/۹	۴۹۱/۱
سایر محصولات	۵۰/۸	۱۵/۲۰	۳۵/۶
دامداری	۱۱۱۳	۷۱۷/۳۰	۳۹۵/۶
مجموع	۳۸۶۱/۶۴	۲۲۳۵/۱۴	۱۶۲۴

منبع: اطلاعات میدانی و منابع شماره ۱۳ و ۲۲

جدول شماره ۴ - شرح هزینه زندگی روستاییان سیستان در سالهای ۷۵ - ۱۳۶۹ (هزار ریال)

سال	۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲	۱۳۷۳	۱۳۷۵
مبلغ	۹۶۸/۴۱۲	۱۲۱۰/۵۱۵	۱۵۱۳/۱۴۴	۱۸۹۱/۴۳	۲۳۶۴/۲۸۸	۳۶۹۴/۲

میلیارد دامی (واحد گوسفندی) دنیا، متعلق به کشورهای در حال رشد است. اما کشورهای توسعه یافته با داشتن حدود ۳۰ درصد گاوهای کل جهان، ۸۰ درصد از کل شیر گاو را در جهان در سال ۱۹۸۹ تولید کرده اند. قاره اروپا با داشتن ۱/۳ تعداد کل گاو و گوساله آسیا، ۳/۵ برابر آسیا شیر تولید می کند. (۲۲)

مقایسه ایران با یکی از کشورهای اروپایی، نتیجه مشابهی به دست می دهد. همچنین، مقایسه منطقه سیستان با قطب های کشاورزی کشور، چنین نتیجه ای دارد.

مشکل منطقه سیستان در کمبود زمین کشاورزی، دام و سایر پتانسیل های اشتغال زا نیست، بلکه در عدم بهره روری و کارایی بهینه، عدم رعایت اصول اقتصادی در مدیریت زراعی، دامداری و صنایع روستایی و همچنین عدم شناخت عوامل مدیریت و رونق نیافتن صنعت در روستاهاست.

این مطالعات، برای مشخص کردن عوامل مؤثر در پایین بودن بهره برداران منطقه و راه حلهای آن مفید است.

ب - داده ها

اطلاعات مورد نیاز برای بررسی درآمد، شامل: مقدار زمین، سطح زیر کشت سالانه، نوع محصول مقدار تولید در هکتار، هزینه آنها و ... بوده است. روش به کار رفته برای مشاهده و گردآوری در این تحقیق، مشاهده مستقیم و ابزار به کار گرفته شده، تکمیل پرسشنامه و مصاحبه کتبی بود است. لازم به یادآوری است، که سوالات موجود در پرسشنامه ها باز بوده و در هر یک از آنها بهره بردار، نظرات خود را نیز بیان نموده است.

ج - جامعه آماری

روستاییان مناطق سیستان، جامعه آماری مطالعه را تشکیل می دهد. شهرستان زابل دارای ۵ بخش، ۱۶ دهستان و حدود ۸۵۰ آبادی دارای سکنه است. (۲۳)

د - روش نمونه گیری

پس از شماره گذاری روستاهای منطقه سیستان، تعدادی روستا به روش نمونه گیری تصادفی انتخاب شدند و در درون روستا نیز تعدادی خانوار مورد بررسی قرار گرفتند، که به

همین روش، (تصادفی) انتخاب شدند.

۵. حجم نمونه

کلاً ۲۰ روستا، ۱۰۲۱ خانوار، بر اساس روش فوق‌الذکر انتخاب و مورد مطالعه قرار گرفت. پس از حذف پرسشنامه‌های مشکوک و غیر قابل اعتماد، در نهایت، اطلاعات مربوط به هزار خانوار برای برآورد، آماده‌سازی شد.

۶. درآمد و هزینه بهره‌برداران روستایی سیستان

محصولات عمده زراعی در منطقه سیستان گندم، جو، هندوانه و خربزه و نباتات علوفه‌ای است. علاوه بر این، محصولات عدس، ماش، کنجد، پیاز و ذرت نیز به صورت محدود در بعضی از روستاهای سیستان کشت می‌شود.

علاوه بر محصولات زراعی، انواع تولیدات باغی، شامل: انار، سیب درختی، انگور و توت نیز، در منطقه به عمل می‌آید. همچنین، صنایع روستایی نیز، سهم بسیار ناچیزی در درآمد بهره‌برداران ایفا می‌نماید که به دلیل اندک بودن از وارد نمودن در درآمد و هزینه‌ها خودداری شده است. درآمد و هزینه محصولات عمده در منطقه سیستان در جدول شماره ۳ ذکر گردیده است.

سهم هر خانوار سیستانی، حدود ۲/۵ هکتار زمین مزروعی و باغی است که، معمولاً زیر کشت محصولات ذکر شده قرار می‌گیرد.

هر خانوار سیستانی، به طور متوسط عرصه‌ای به مساحت حدود ۱/۶، ۰/۳، ۰/۲۵، ۰/۴ و ۰/۰۵ هکتار را سالانه، به ترتیب زیر کشت محصولات گندم، جو، نباتات علوفه‌ای، هندوانه، خربزه و سایر محصولات می‌برد که هر یک از آنها، برای یک خانوار در منطقه، سیستان درآمدی برابر با ۳۳۶، ۹۱/۱، ۴۹۱/۱، ۲۷۴/۶، ۲۵/۶ هزار ریال به همراه دارد.

علاوه بر زراعت، خانوارهای سیستانی در روستا، به امر دامپروری نیز مشغول هستند که به طور متوسط، دارای ۲۳ واحد دامی می‌باشند. درآمد متوسط هر خانوار از این حرفه نیز، ۳۹۵/۶ هزار ریال است. لذا با این وجود، هر خانوار روستایی سیستان، سالانه به طور متوسط، حدود ۱۶۲۴/۴ هزار ریال درآمد دارد.

۷. مقایسه میزان درآمد و هزینه زندگی خانوارهای روستایی سیستان

درآمد هر خانوار روستایی در سال ۱۳۶۸ معادل ۵۹۳۶۲۲ ریال و هزینه آن برابر ۵۷۷۴۷۳ ریال بوده است. لذا، با توجه به اینکه آمار از سالهای جدید در دست نیست با احتساب سالانه به طور متوسط ۲۵ درصد افزایش قیمت هزینه زندگی در این مناطق به صورت ذیل محاسبه می‌شود.

با توجه به اینکه خط فقر در روستا، ماهانه ۳۷ هزار ریال است، (۲۶) باید درآمد سالانه حداقل حدود ۴۴۴۰۰۰۰ ریال باشد تا بالاتر از خط فقر زندگی نمایند. لذا، با وجود اختلاف بین این دو عدد و پایین بودن درآمد (ماهانه ۱۲۵۲۳۳ ریال)، روستاییان سیستان در نهایت فقر زندگی می‌نمایند.

۸. علت فقر در منطقه سیستان

بر اساس بررسی‌هایی که در منطقه سیستان صورت گرفته است بهره‌برداران، عوامل ذیل را عامل فقر خود عنوان نموده‌اند.

۹. پایین بودن راندمان کشاورزی منطقه

اکثر بهره‌برداران روستایی منطقه سیستان، کشاورز هستند و در کنار آن، تعدادی دام نیز نگهداری می‌نمایند و از این طریق امرار معاش می‌نمایند. اگر بخواهیم با فقر مبارزه نماییم، باید حداقل از شدت آن بکاهیم، در غیر این صورت باید فقر را بین خودمان توزیع نماییم. برای جلوگیری از چنین وضعیتی می‌توان رشد اقتصادی را همراه با توزیع مناسب درآمد و کاهش فقر به دست آورد. بخش کشاورزی دارای ویژگی خاصی است که در صورت بهره‌برداری بهینه از زمینهای زراعی، توزیع درآمد، متناسب می‌شود و فرآیند آن موجب کاهش فقر در منطقه می‌گردد. متأسفانه راندمان تولیدات زمینهای زراعی منطقه سیستان قابل مقایسه با پتانسیلهای موجود منابع مذکور نیست. علت آن، از یک طرف، عدم آموزش بهره‌برداران جهت استفاده از منابع موجود و از طرف دیگر، عدم تهیه ماشین‌آلات کشاورزی از قبیل تراکتور که این عامل نیز نقش مؤثری در کاهش راندمان تولید ایفا می‌نماید. به طوری که کشاورزانی در منطقه وجود دارند که با ۶۰ هکتار

زمین زراعی به صورت دسته جمعی از سال ۱۳۶۹ درخواست تراکتور نموده‌اند، ولی تا به حال موفق به معرفی خود به بانک کشاورزی شهرستان زابل نشده‌اند. با توجه به اینکه قیمت دستگاه مزبور برای کشاورزان بسیار زیاد و قادر به پرداخت نقدی قیمت آن نیستند، این وضعیت سهم به سزایی در کاهش راندمان تولیدات کشاورزی منطقه ایفا می‌نماید.

علاوه بر آن، کود نیز، یکی از نهاده‌هایی است که جهت تولید بهینه از زمین کشاورزی مورد نیاز است. در زمان برداشتهای میدانی اکثر روستاییان اظهار داشته‌اند که سیستم توزیع کود توسط ادارات مزبور مناسب نیست، علاوه بر آن، قیمت نهاده مزبور نیز از عهده خرید اکثر بهره‌برداران خارج می‌باشد، که این روند، باعث افت محصولات زمینهای کشاورزی منطقه شده است.

۱۰. عدم وجود مکانهای اشتغالزا

صنایع کوچک در کشورهای توسعه یافته و نیز توسعه نیافته، هر دو دیده می‌شوند. وجود این صنایع در ممالک شرقی، نشانه آن است که می‌توانند در هر درجه‌ای از رشد اقتصادی کار کرده و وجود آن، لازمه هر نظام اقتصادی است. (۲۷)

در کشور ایران که مراحل صنعتی خود را طی می‌نماید، صنایع کوچک اشتغالزا نقش بارزی در ایجاد اشتغال برای افراد ایفا می‌نمایند. در سالهای اخیر، در منطقه سیستان تعدادی صنایع روستایی به افراد متقاضی واگذار شد که به علت وسیع بودن منطقه، نیاز به رسیدگی بیشتری دارد.

بنابراین، صنایع فوق اشتغال‌زایی مؤثری برای ساکنین منطقه سیستان به همراه نداشته است. در صورت احداث صنایع روستایی به دلیل بومی بودن این صنایع، محل اشتغال خوبی برای بیکاران فصلی روستاهاست. فعالیتهای تولید در این زمینه، ریشه در فرهنگ، آداب و رسوم و هنر مردم منطقه دارد. در برداشتهای میدانی انجام شده ۱۰۰ درصد نمونه‌ها نیز، عدم وجود مکانهای مزبور را عامل فقر خود به شمار می‌آورند.

۱۱. تک محصولی

گندم مهمترین محصول کشاورزی منطقه سیستان است، که اکثر بهره‌برداران منطقه جهت امرار معاش خود این محصول را کشت می‌نمایند.

راندمان تولید این محصول در شرایط مزرعه، در حد بسیار پایینی، نسبت به سایر نقاط ایران است. ۲۲ درصد بهره‌برداران نمونه، علت فقر خود را کشت تک‌محصولی در منطقه سیستان می‌دانند. قابل ذکر است که محصولات دیگری از قبیل جو، هندوانه، خربزه، نباتات علوفه‌ای و ... نیز، در سیستان کشت می‌شود، ولی پایه و اساس زراعت منطقه را گندمکاری تشکیل می‌دهد. لازم است در این باره تحقیقات گسترده‌ای صورت گیرد، تا سازگاری انواع دیگر محصولات مفید بررسی شود.

■ عدم وجود مخابرات

وسایل و امکانات ارتباطی نقش مؤثری در پیشرفت هر جامعه ایفا می‌نماید. ۲۶ درصد نمونه‌ها، معتقد بودند: عدم برخورداری از مخابرات در منطقه سبب پیشرفت فقر در بین آنان می‌شود.

■ شوری خاک و عدم زهکشی آن

منظور از زهکشی فراهم کردن محیط مناسب برای فعالیت ریشه است، به طوری که در آن گیاه بتواند، حداکثر رشد خود را داشته باشد. بنابراین، هدف نهایی زهکشی، افزایش و تداوم تولید محصول، طی یک دوره زمانی طولانی است. عدم زهکشی و شوری زیاد خاک، باعث کاهش محصول می‌شود، زیرا ریشه گیاه برای رشد خود، فقط مقدار محدودی خاک در اختیار دارد و سیستم ریشه‌ای گیاه نمی‌تواند غذای مورد نیاز قسمت‌های هوایی را تأمین کند. در سیستان نیز در اکثر مناطق آن، چنین وضعیتی برای گیاهان پیش آمده است. ۲۴ درصد از نمونه‌ها، علت کاهش درآمد و فقر خود را در ارتباط مستقیم با شوری خاک منطقه می‌دانند.

■ عدم وجود برق

تسهیلات و امکانات رفاهی یکی از عوامل مؤثری است که سهم به سزایی در استقرار بهره‌برداران منطقه ایفا می‌نماید. ساکنین روستایی و عشایر سیستانی که از نعمت داشتن برق محروم هستند، بخش عمده‌ای از درآمد ناچیز خود را صرف خرید نفت و وسایل روشنایی می‌نمایند. هر ۲۰ لیتر نفت در بین خانوارهای فوق‌الذکر، حدود هزار ریال خرید و فروش می‌گردد، زیرا نفت سهمیه‌بندی شده، رفع نیاز آنان را

نمی‌نماید. بر اساس اطلاعات جمع‌آوری شده، ۹ درصد نمونه‌ها محرومیت خود را به دلیل عدم وجود برق در محل زندگی خود می‌دانند.

■ وجود آفات گیاهی

زندگی بشر به وجود سلامتی گیاهان وابسته است. حدود ۹۰ درصد غذای انسان از نباتات تأمین می‌شود. تقریباً ۸۵ درصد غذای انسانی از حدود ده گونه گیاهی که مهمترین آنها گندم و برنج است به دست می‌آید. (۱۸) اهمیت بیماریهای گیاهی غالباً ناشی از خساراتی است که این بیماریها با بروز اپیدمی یا خسارتهای معمولی به گیاهان و محصولات آنها وارد می‌سازد. برای مثال، زنگهای غلات را می‌توان ذکر نمود که به علت تغییر تعادل طبیعی یا تحت شرایط آب و هوایی خاص، به صورت اپیدمیک بروز کرده، موجب قحطی، مرگ و میر و گرانی می‌شود. یکی از اپیدمیها در سال ۱۹۴۸ در استرالیا اتفاق افتاد. در این حادثه تنها در یک منطقه از آن کشور ۲۷۰ هزار تن گندم که نان سه میلیون انسان را می‌توانست تأمین نماید، از بین رفت. در منطقه مورد مطالعه نیز، همه ساله انواع بیماریها باعث افت محصول می‌شود، که سهم به سزایی در تولید سالیانه بهره‌برداران ایفا می‌نماید. ۹ درصد از بهره‌برداران نمونه، انواع بیماریهای کنترل نشده را عامل فقر خود قلمداد می‌نمایند.

■ نتیجه

روستاییان منطقه سیستان زندگی اسفناکی دارند. درآمد آنان نسبت به مخارج زندگیشان، بسیار ناچیز است، زیرا بازده محصولات زراعی، دامپروری و صنایع روستایی در حد پایینی قرار دارد و علاوه بر آن، مکانهای اشتغال‌زایی در منطقه وجود ندارد. علت اصلی پایین بودن بازده محصولات زراعی در منطقه، عدم وارد شدن کشاورزی مکانیزه، در اختیار نبودن زمان مناسب آب جهت آبیاری و نبودن ماشین‌آلات کشاورزی در منطقه است.

علاوه بر آن، نبودن واحدهای صنعتی اشتغال‌زا، از عوامل اصلی پایین بودن درآمد در روستاهای منطقه سیستان است. به طوری که حتی سهم بسیار ناچیزی را برای درآمد بهره‌برداران به خود اختصاص نمی‌دهد. علت

پایین بودن تولیدات دامی، افزایش تعداد دام در واحد سطح است که این وضعیت سبب کاهش بازده تولید می‌شود. به طوری که لاشه هر رأس گوسفند منطقه به حدود ۱۱ کیلوگرم می‌رسد. صنایع روستایی نیز، نقش بارزی در درآمد روستاییان ایفا نمی‌نماید، زیرا تحولاتی در روش تولید آن به وجود نیامده است و هنوز هم به صورت سنتی تولید می‌شود. اگر روند فعلی در منطقه ادامه یابد، سیر مهاجرت از مناطق روستایی سیستان به سایر نقاط کشور ادامه خواهد یافت و اکثر این بهره‌برداران، حاشیه نشینی را بر زندگی در روستاهایی که حتی قوت روزانه آنان را تأمین نمی‌نماید، ترجیح خواهند داد.

■ پیشنهادها

- تأمین ماشین‌آلات کشاورزی منطقه، پیشنهاد می‌شود، تحویل تراکتور در منطقه بصورت شورایی انجام پذیرد تا از فروش آن در بازار آزاد جلوگیری شود، این کمیسیون می‌تواند، مرکب از جهاد سازندگی، کشاورزی و بخشدار منطقه باشد.

- ورود به موقع آب جهت کاشت و آبیاری محصولات زراعی باغی.

- فعال نمودن شرکتهای تعاونی روستایی و نظارت بر نحوه کار آنها.

- ایجاد صنایع کوچک کشاورزی و روستایی (صنایع کاربری) و تأمین فرصتهای شغلی مناسب.

- ایجاد تقابل بین تولیدکنندگان محصولات کشاورزی و کالای صنعتی در منطقه.

- سالم‌سازی اقتصادی، هرگونه پیشرفت واقعی اقتصادی تنها در گرو اصلاح سالم سازی ساختار اقتصاد ملی امکان‌پذیر است، سالم سازی اقتصاد ملی یعنی بهره‌برداری بهینه از استعدادهای و امکانات داخلی جهت خارج شدن از حوزه‌کنشها و واکنشهای خارجی.

- از بین بردن دست واسطه‌ها از روستاها

- اصلاح نظام توزیع در روستاهای منطقه (تهادهای کشاورزی)

- توزیع وامهای کشاورزی یا بهره کم، متناسب با وضعیت اقتصادی و اجتماعی منطقه.

- تغییر آموزش رسمی در روستاهای منطقه، متناسب با نیازهای زندگی روستاییان به طوری که بتواند، در ایجاد و گسترش اشتغال در روستا

مؤثر باشد.

- پرداخت یارانه توسط دولت برای حمایت از کشاورزان منطقه به جای افزایش قیمت محصولات کشاورزی آنان.

- فرهنگ ایثار، کار برای رضای خدا و حل مشکل مردم به نظام اداری منطقه تزریق شود.

- فرهنگ تولید همه چیز در محل و زندگی در حد امکانات تولید داخلی و از این دیدگاه، اندیشه تأمین اقتصادی منطقه، هدف اصلی برنامه ریزان باشد.

- یک تلاش همگانی برای بهره‌وری بهینه از منابع طبیعی، انسانی، تکنولوژی، افزایش ظرفیتهای تولیدی و علمی، جلوگیری از اتلاف وقت و لغو مقررات دست و پاگیر اداری، مبارزه با مصرف‌زدگی و اسراف، باید هر چه زودتر در منطقه آغاز شود.

- امور مربوط به عمران روستایی در منطقه، به جهاد سازندگی محول شود.

■ منابع و مأخذ

- ۱- مجله جهاد، شماره ۱۲۸، ص ۵
- ۲- مجله جهاد، شماره ۱۲۵، ص ۱
- ۳- از کیا مصطفی، جامعه شناسی توسعه و توسعه نیافتگی روستایی ایران، ص ۹
- ۴- منبع شماره ۳، ص ۲۰
- ۵- مجله جهاد، شماره ۸۶، ص ۲۱
- ۶- روستا و توسعه، گاهنامه شماره اول، دی ماه ۱۳۶۶، ص ۹
- ۷- روزنامه جمهوری اسلامی شماره ۴۹۷۲، مورخ شنبه ۳۰ مرداد، ۱۳۷۵
- ۸- منبع شماره ۶، ص ۱۸
- ۹- آزاده، غلامرضا، ترجمه، الگوی نظری در اقتصاد توسعه، ص ۲۱۴
- ۱۰- منبع شماره ۳، ص ۶۸
- ۱۱- اقتصاد کشاورزی و توسعه، فصلنامه پژوهشی سال اول، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۱
- ۱۲- منبع شماره ۳، ص ۷۴
- ۱۳- راهنمای دانشگاه سیستان و بلوچستان، انتشارات دانشگاه سیستان و بلوچستان
- ۱۴- سنجهر، ستوده، احیاء الملوك، بنگاه ترجمه نشر کتاب، ص ۱۱

۱۵- بررسی مهاجرت و حاشیه‌نشینی در شهر زابل، نشریه شماره ۱۴، تیر ماه ۱۳۶۶ - سازمان

برنامه و بودجه استان سیستان و بلوچستان
۱۶- جهان تیغ، منصور، پایان نامه کارشناسی ارشد. عنوان: بررسی تغییرات وزن دام در کوچ

عشایر سیستان، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۴
۱۷- آمارنامه سیستان و بلوچستان، سازمان

برنامه و بودجه استان، سال ۱۳۷۲
۱۸- منبع شماره ۱۳

۱۹- تحقیقات جغرافیایی، گروه جغرافیایی بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی،

شماره ۲، تابستان ۱۳۶۸، ص ۱۷۱
۲۰- منبع شماره ۱۹، ص ۱۷۵

۲۱- منبع شماره ۱۹، ص ۱۷۸
۲۲- روستا و توسعه، فصلنامه علمی و پژوهشی،

سال ۷، شماره ۱، تابستان ۱۳۷۳، ص ۷
۲۳- آمارنامه استان سیستان و بلوچستان -

سازمان برنامه و بودجه استان، ۱۳۶۹
۲۴- آمارگیری روستایی جهاد سازندگی، آبان ماه ۱۳۶۰

۲۵- طرح مطالعات جامعه عشایری، گزارش نهایی مطالعه عشایری استان، سازمان برنامه و بودجه استان

۲۶- روزنامه کیهان، ۲۹ خرداد ۱۳۷۵
۲۷- هدائی، دکتر ضیاء، نقش صنایع کوچک در

توسعه اقتصاد ایران، ص ۹
۲۸- الهی نیا، سیدعلی، قارچ شناسی و بیماریهای

گیاهی مقدماتی ص ۱

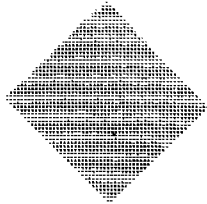
بقیه از صفحه ۷۸

پی‌نوشت‌ها:

۱- در مقدمه کتاب مورد استناد، در تعریف واژه‌های متد و تکنیک آمده است که:

متد، ارتباط یا اتصال بین مؤسسه یا آژانس رهبری کننده برنامه آموزش و دانشجو یا مشارکت‌کنندگان در برنامه است. تکنیک، شیوه‌ای است که اشخاص یا معلم برای ارتباط فراگیر یا منابش به کار می‌گیرد.

۲- در کتاب «مرجع ترویج کشاورزی» که توسط استاد دکتر اسماعیل شهبازی و مهندس احمد حجاران ترجمه شده است، بحث تکنیکهای آموزش گروهی، در فصل نهم، مورد اشاره قرار گرفته است. علاقمندان می‌توانند برای اطلاع به این فصل رجوع نمایند.



بقیه از صفحه ۷

باشد، و منحنی لورنز بر ۹۰ برابر برای کامل، منطبق باشد، مقدار «عددی» ضریب جینی، معادل صفر خواهد بود. و اگر درآمد، با تصور کاملاً نابرابر (ناسادانه)، توزیع شده باشد، مقدار عددی آن برابر با ۱ خواهد بود.

ضریب جینی، برای کشورهای مختلف که توزیع درآمد آنها بسیار نابرابر است، عموماً بین ۰/۵ تا ۰/۷ است. در حالی که در کشورهایی که توزیع درآمد آنها نسبتاً عادلانه است، این ضریب بین ۰/۲ تا ۰/۳۵ است.

۸- تایم / ۱۲ اکتبر ۱۹۵۵

۹- سازمان بهره‌وری آسیا، ۸۰ مطالعه یافته‌های دوره مطالعاتی کاهش فقر روستایی، ترجمه محمد جواد مرادی نژاد، ص ۳.

۱۰- r. Gaiba (1993) ibid - p - 1

۱۱- L. Jaziriy, M. Alomgir 8 T. pannuccio, the state of world poverty, IFAD, Rome, 1992

۱۲- Lipton

۱۳- Mirdal

۱۵- chambers

۱۶- ماهر، فرهاد، «مددکاران اجتماعی روستایی، راهبردی نو»، مجموعه مقالات کنگره همایش بررسی مسئله فقر و فقرزدایی

۱۷- سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۵، ص ۳۰۱

۱۸- زیاری - کرامت... «فناوری و متالورژی» تعیین فقر و توزیع درآمد» مجله، مقالات خردشناسی بررسی مسئله فقر و فقرزدایی، سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۵، ص ۹۸

۱۹- همان منبع

۲۰- Human development report 1994 / p 30

۲۱- زیتون شماره ۱۲۴، بهار، زمستان ۱۳۷۲